



بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم  
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو براندازیم

## آیا حافظ شیرازی ، واقعاً حافظ تازینامه بوده ؟

پژوهشهای باستانی پاریزی نشان می دهد که در زمان حافظ به خوانندگان و نوازندگان مردمی " حافظ " می گفته اند چونکه آنها بایستی همه اشعار و موسیقی زمان خود را حفظ می کرده اند.

پاریزی از دوران زندگانی حافظ نام چهل و پنج افراد دیگر را می برد که همگی حافظ نامیده می شده و همه آنها خواننده و نوازنده بوده اند.

راستی چرا در آن زمان به خوانندگان حافظ می گفته اند ؟  
در دین اسلام خوانندگی و نوازندگی حرام بوده و هست ، ایرانی را بدون نوای موسیقی روزگار خوش نگذرد. پس باید چاره ای می اندیشیدند تا آخوندهای متعصب و غم انگیز و حرامزاده های تازی را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند.

ایرانیان شروع به حفظ کردن آیه های تازینامه کرده و با صدای خوش در آوازه خوانی از آن آیه ها بهره گیری کردند ، معنی و مفهوم کلمات برای ایرانیان در آن زمان زیاد مهم نبود و چه بسا که اصلاً معنی کلمات عربی تازینامه را هم نمی دانستند و آنچه مهم بود اینکه بتوانند بخوانند.

**از طرف دیگر آخوندهای متعصب و بی هنر نمی توانستند از خواندن واژه های تازینامه جلوگیری کرده و آنرا هم حرام بدانند.**

در نتیجه همه خوانندگان و نوازندگان از این ابتکار استفاده و وارد میدان شدند و طولی نکشید که تعداد آنها در سرتا سر کشور به هزاران رسید که همگی لقب حافظ داشته اند و برای اینکه بتوانند از بیدادگری آخوندهای جانی جلوگیری کنند، تعدادی از آخوندهای خوش صدا را نیز به این کار کشاندند که بعدها نسل همین آخوندها، تبدیل به روزه خوانهای قبرستانها شدند.

پس از مدتی و پا پخش سروده ها و اشعار حافظ در سرتا سر کشور همه این خوانندگان اشعار حافظ را جایگزین آیه های تازینامه کردند و خواندن آیه های تازینامه را برای آخوندها و در قبرستانها باقی گذاشتند.

حافظ شیرازی هرگز آیه ای از تازینامه را حفظ نبوده و هیچ کجا با صدای خودش آیه ای را نخوانده، هر اندازه که حافظ شیرازی سرو کارش با تازینامه بوده و به اجبار در انظار عمومی به تازینامه احترام می گذاشته، ولی او هرگز با قرآن و اسلام سروکاری نداشته و هرگز بنام یک مسلمان شناخته نمی شده و مانند یک مسلمان زندگی نکرده.

تاریخ زندگانی حافظ نشان میدهد که او همدم و همنشین دو پادشاه بوده است. شاه ابوالسحاق و دیگری شاه شجاع که پادشاهانی دلشاد شرابخوار و بدنبال زیبا رویان بوده اند.

حافظ مبارزی دلاور در مقابل دین داران و دین فروشان دروغگو و مردم فریب یوده و این مبارزه را با جسارت تمام در سروده هایش آغاز می کند و همواره هم میهنان خود را هشدار میداد که گول این حرامزاده های تخم تازی را نخورند.

بنده پیر مغان باش و ز زاهدبگریز      راه اینست اگر زیرک و عاقل باشی

درد به روان پاکش

پاینده ای-ران - پایدار و سرافراز باد ملت ایران

نوشیروان - بنیاد ایرانبانان

یکشنبه، 14/05/2006